

مراحل تطور احتفال (جشن) میلاد پیامبر ﷺ در گذر تاریخ

رسول چگینی / دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه باقرالعلوم

rsl.chegini@yahoo.com

orcid.org/0000-0002-8661-6580

ftm.shokri@yahoo.com

فاطمه شکری / طلبه سطح ۳ حوزه علمیه جامعه الزهراء



<https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۱۷ - پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۲۲

چکیده

احتفال به معنای برگزاری مراسم جشن ولادت پیامبر ﷺ و اهل بیت ﷺ، تطورات تاریخی گوناگونی را به خود دیده که در این نوشتار به پنج برهه تاریخی اشاره شده است. این مراسم به صورت رسمی و عمومی در قرن چهارم در دوره فاطمیان مصر با هدف تعظیم و بزرگداشت مقام پیامبر اکرم ﷺ پایه گذاری شد. بی درنگ از سوی مسلمانان در سایر سرزمین های اسلامی، از قبیل شامات، حجاز، خراسان بزرگ و شمال آفریقا دنبال شد و در سده های هفتم و هشتم، چهار گوشه جهان اسلام شاهد برگزاری مراسم احتفال مولدالنبی ﷺ بود. هم زمان، ورود گرایش ها و اندیشه های انحرافی مانند صوفیه به این مراسم، آن را از مسیر اصلی منحرف کرد و کج روی های اخلاقی و فقهی را در آن پدید آورد. به منظور تقابل با این بدعت ها، عالمان دینی به مرزبندی میان این مراسم و انحرافات آن پرداختند که با ظهور فرقه وهابیت، رویکرد اصلاحی عالمان، به نفی و انکار اساس این مراسم از سوی وهابیان تبدیل شد. لزوم جداسازی میان اشکالات محتوایی این مراسم با برگزاری اصل آن، نتیجه ای است که از بررسی این تطورات تاریخی به دست می آید.

کلیدواژه ها: احتفال، مولدالنبی ﷺ، جشن ولادت، فاطمیان، صوفیه.

یکی از دستورهای دین اسلام به مسلمانان، لزوم مودت و دوستی پیامبر ﷺ و نزدیکان ایشان است. آیه «قُلْ لَأَسْأَلَنَّكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ»^۱ و روایاتی از قبیل «لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّىٰ أَكُونَ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ وَلَدِهِ وَوَالِدِهِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ»^۲ از آموزه‌هایی هستند که این مهم را به مسلمانان گوشزد می‌کنند. مسلمانان نیز با استناد به این ادله، بر خود لازم می‌دانند که به پیامبر اکرم ﷺ و اهل بیت ایشان محبت داشته باشند و این دوستی خود را اظهار کنند.

از جمله اقداماتی که مسلمانان در طول تاریخ بر اجرای آن اهتمام داشته‌اند، برگزاری مراسم جشن و سرور به مناسبت ولادت رسول الله ﷺ و اهل بیت ﷺ است. آنان با برگزاری چنین مراسم‌هایی محبت و علاقه خود را به خاندان وحی نشان می‌دهند و افزون بر معرفت‌افزایی درباره پیامبر ﷺ، به ذکر مناقب و فضایل آن حضرت و ذریه ایشان می‌پردازند. برگزاری این مراسم‌ها ضمن آنکه زمینه هدایت و جلب قلوب بسیاری از دوست‌داران دیانت و شریعت را فراهم می‌آورد، فضایی معنوی و وحدت‌آفرین نیز برای اجتماع و یکپارچگی امت اسلامی شکل می‌دهد. این مراسم‌ها که با عنوان «احتفال بمولد النبی ﷺ و اهل‌البیت ﷺ» شناخته می‌شود، به یکی از شاعران اسلامی تبدیل شده است که در سراسر عالم اسلامی برگزار می‌گردد.

امروزه شاهد دو رویکرد جدی در برابر این مراسم هستیم: مسلمانان شیعه و اهل سنت پشتیبانی قابل وصفی از برگزاری این مراسم می‌کنند؛ به‌ویژه در میان اهل سنت که می‌توان مسئله احتفال را یکی از پرتألیف‌ترین مسائلی دانست که اهل سنت را به نگارش کتاب‌هایی برای اثبات مشروعیت آن، قلم به‌دست کرده است. در نقطه مقابل، وهابیت تقابل شدیدی با این مراسم دارد و برگزاری آن را مخالف روح دیانت می‌داند. این دو رویکرد متضاد و جمع‌ناشدنی این پرسش را مطرح می‌کند که در طول تاریخ، چه بر سر این مسئله گذشته است که موافقان آن این‌گونه به حمایت از آن می‌پردازند و مخالفان آن همچنان بر شیویر نبرد علمی می‌دمند. شکل‌گیری این مراسم و دگرگونی‌های احتمالی در نحوه برگزاری آن در طول تاریخ، مسئله اصلی این نوشتار بوده و هدف آن، آگاهی از فرایندی است که سبب شکل‌گیری دو رویکرد کنونی در برابر احتفال شده است. براین اساس، با مراجعه به منابع و گزارش‌های تاریخی و با شیوه توصیف تحلیلی، خط زمانی این مراسم در بستر تاریخ پیگیری شده است. دستیابی به علت و جهت مخالفت علما با این مراسم به منظور اصلاح و رفع اشکالات و موانع، ضرورت این پژوهش را نمایان می‌سازد. اگرچه نتیجه این تحقیق در حوزه فقه و کلام به کار می‌رود، اما راه دستیابی به آن، از مسیر تاریخ می‌گذرد.

۱. شوری: ۲۳.

۲. محمدبن اسماعیل بخاری، صحیح بخاری، ج ۱، ص ۱۲.

تاکنون پژوهش مستقلی که این مسئله را بررسی کرده باشد، به رشته تحریر درنیامده است؛ اما کتاب‌هایی که در موضوع احتفال نوشته شده‌اند، به صورت پراکنده و بدون نگاه تاریخی، به بخش‌هایی از این مسئله اشاره کرده‌اند.

۱. معنانشناسی احتفال

«احتفال» از واژه «حفل» به معنای جمع و اجتماع است. «محفل» نیز بر همین معنا مشتق شده است.^۱ البته میان «محفل» و «مجلس» این تفاوت را قائل شده‌اند که در محفل، شرط کثرت جمعیت وجود دارد؛ اما در مجلس این شرط نیست.^۲ بنابراین، احتفال به معنای اجتماع مردم است؛ به همین دلیل باید مشخص شود که این اجتماع برای چیست؛ از این روی مضافاً الیه «مولدالنبی ﷺ» برای آن در نظر گرفته شده است؛ یعنی اجتماعی به مناسبت ولادت پیامبر خاتم ﷺ.

برخلاف استعمال امروزی، که اصطلاح «احتفال بمولدالنبی ﷺ» بر مراسم جشن ولادت پیامبر ﷺ انصراف دارد، این اصطلاح در منابع متقدم کاربرد شایعی نداشته است و حتی پس از رواج چنین مراسم‌هایی، باز هم عنوان «احتفال» بر آنها اطلاق نمی‌شد؛ بلکه در دوره‌هایی از تاریخ، تنها از عبارت «مولدالنبی ﷺ» استفاده می‌کردند؛ حتی در معدود کتاب‌هایی هم که مستقلاً به نقد مراسم مولدالنبی ﷺ پرداخته‌اند، اثری از این اصطلاح دیده نمی‌شود (منظور، کتاب *المورد فی عمل المولد فاکهانی* (م ۷۳۴ق) و *المدخل ابن‌الحاج* (م ۷۳۷ق) است که در ادامه درباره آنها سخن خواهیم گفت).

کاربرد اصطلاح «احتفال» در معنای مجالس جشن و شادی، هم‌زمان با گسترش این مراسم در میان اهل سنت رونق پیدا کرده است. در کتب تاریخی که این مراسم را گزارش کرده‌اند، از این عبارت استفاده شده است. *ابن‌خلکان* (م ۶۸۱ق) از کسانی است که به دلیل حضور در این مراسم، آن را به خوبی توصیف کرده است.^۳ در قرن هشتم نیز می‌توان شواهدی بر این کاربرد یافت.^۴ *ابن‌تیمیة حرانی* (م ۷۲۸ق) از است که به «احتفال» به معنای اجتماع مردم اشاره کرده و آن را برای روز عاشورا، مولدالنبی ﷺ، شب اسراء و معراج و شب نیمه شعبان به کار برده است.^۵ *ذهبی* (م ۷۴۸ق) و *ابن‌کثیر دمشقی* (م ۷۷۴ق) نیز این واژه را در معنای اجتماع برای شادی و سرور به کار برده‌اند.^۶ از این زمان به بعد، کاربرد واژه «احتفال» در معنای مورد نظر گسترش یافت و کتاب‌های متعددی با این نام نوشته شدند.

۱. احمدین ابن‌فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۲، ص ۶۸۱ محمدین مکرم ابن‌منظور، لسان العرب، ج ۱۱، ص ۱۵۶.

۲. محمد مرتضی زبیدی، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۲۸، ص ۳۰۹.

۳. احمدین محمد ابن‌خلکان، وفیات الأعیان و آباء ابناء الزمان، ج ۴، ص ۱۱۷.

۴. مبارکین محمد ابن‌ابیر جزری، النهایة فی غریب الحدیث و الاثر، ج ۵، ص ۱۶۷.

۵. احمدین عبدالحمیم بن‌تیمیة حرانی، اقتضاء الصراط المستقیم، ج ۱، ص ۴۰.

۶. محمدین احمد ذهبی، سیر أعلام النبلاء، ج ۲۲، ص ۲۳۶؛ اساعیل‌بن عمر ابن‌کثیر دمشقی، البداية و النهایة، ج ۱۳، ص ۲۸۸.

۲. احتفال در گذر تاریخ

با توجه به اینکه این مراسم در دوره‌های نخستین اسلامی وجود نداشته و در گذر زمان شکل گرفته است، امروزه برخی به انکار آن پرداخته‌اند. آگاهی از نحوه شکل‌گیری این مراسم و تطورات تاریخی روی داده بر آن، در دستیابی به دیدگاه درست درباره آن بسیار اثرگذار است. به‌طور کلی می‌توان به پنج دوره تاریخی برای احتفال پی برد:

۱. تأسیس؛

۲. گسترش؛

۳. اختلاط؛

۴. مقابله؛

۵. تکفیر.

تذکر این نکته لازم است که این دوره‌ها بر یکدیگر ترتب زمانی ندارند؛ اما می‌توان تغییر و دگرگونی به‌وجودآمده در تقابل با احتفال را در این پنج دوره خلاصه کرد. در ادامه، هریک از این دوره‌ها را توضیح می‌دهیم.

۱-۲. دوره تأسیس مراسم احتفال

درباره اینکه از چه زمانی برگزاری مراسم جشن میلاد رسول الله ﷺ به‌صورت علنی و با حمایت دولت‌های وقت انجام شده است، اختلاف‌نظر چندانی وجود ندارد. در منابع تاریخی نقل شده که برای اولین بار، حکومت فاطمیان مصر به برگزاری رسمی مراسم مولدالنبی ﷺ اقدام کرده‌اند. آنان که خاندانی از شیعیان اسماعیلی بودند، در سال‌های ۲۹۷-۵۶۷ق بر مناطقی از سرزمین‌های غرب جهان اسلام فرمان می‌راندند و با عنوان «عبیدیان» نیز شناخته می‌شدند. بنیانگذار این سلسله، عبیدالله مهدی بود که در مراکش فعلی با کمک ابوعبدالله شیعی، داعی اسماعیلی از یمن، این کار را انجام داد. فاطمیان در سال ۳۶۲ق با ساختن قاهره نزدیک فسطاط، این شهر را پایتخت خود قرار دادند. فاطمیان توانستند مدتی بر سراسر شمال آفریقا، مصر، شام و یمن تسلط یابند و تا حجاز و سیسیل (جزیره بزرگ در جنوب ایتالیای فعلی) پیش روند. آنان پیوسته با حکومت عباسیان و دولت‌های طرفدار آنان همچون سلجوقیان، و نیز امویان در اندلس، خوارج و امپراتوری روم شرقی در ترکیه و یونان فعلی، درگیر بودند.

یکی از اقدامات فاطمیان در دوران حکومت خود، ترویج و گسترش شعائر اسلامی بود. آنها برخی روزها را به نام‌های اسلامی معرفی می‌کردند و مراسم‌هایی را برای آنها در نظر می‌گرفتند. مقریزی (م ۸۴۵ق) اعیاد و مراسم فاطمیان را این‌گونه برشمرده است: «و برای خلفای فاطمی در طول سال، اعیاد و زمان‌هایی بود و آنها عبارتند از زمان ابتدای سال، و اول فصل‌ها، و روز عاشورا و ولادت پیامبر ﷺ و ولادت علی بن ابی‌طالب ﷺ و ولادت حسن و حسین ﷺ و ولادت فاطمه زهرا ﷺ و ولادت خلیفه حاضر^۱».

۱. احمدبن علی مقریزی، المواظظ والاعتبار بذكر الخطط والأتار، ج ۲، ص ۳۴۶.

بنابراین یکی از مراسمی که فاطمیان بر اجرای آن اہتمام داشتہ‌اند، مراسم موالید خمسۃ طیبه ﷺ بودہ است. *قلقشندی* (م ۸۲۱ق) مراسم مولدالنبی ﷺ فاطمیان را این گونه توصیف می‌کند:

و از عادات فاطمیان این بود کہ در دارالقطرہ بیست ظرف بزرگ از شکر و حلوا آماده می‌کردند و در سیصد سینی مسی قرار می‌دادند. پس وقتی شب مولد فرامی‌رسید، آن را در میان بزرگان، مانند قاضی القضاات، داعی‌الدعات، قاریان برجستہ و خطبا و بزرگان قاهرہ و مصر پخش می‌کردند و خلیفہ در مکانی نزدیک بہ زمین، مقابل دارالقطیہ می‌نشست و سپس قاضی بعد از عصر بہ ہمراہ شاهدان بہ جامع الازہر می‌رفت و بہ اندازہٴ ختم قرآن آنجا می‌نشست؛ و راہ منتهی بہ قصر توسط لشکریان مسدود می‌گشت و زمین آن جارو و آب‌پاشی می‌شد؛ سپس حاکم قاهرہ در ابتدای جادہ می‌ایستاد و بہ ہمراہ قاضی و حاضران، منتظر دیدار خلیفہ می‌شدند؛ سپس یکی از پنجرہ‌ہا باز شدہ، صورت خلیفہ دیدہ می‌شد. در ادامہ، یکی از بزرگان دستش را بہ نشانہٴ تحیت خلیفہ تکان می‌داد و پس از قرائت قرآن و خطابہٴ خطبا، دوبارہ دست خود را بہ نشانہٴ خداحافظی خلیفہ تکان می‌داد و مراسم بہ پایان می‌رسید و مردم بہ خانہ‌های خود می‌رفتند. ہمین وضعیت در مراسم ولادت علی بن ابی‌طالب - کرم اللہ وجہہ - نیز انجام می‌گرفت.^۱

در خصوص مبدأ برگزاری مراسم مولدالنبی ﷺ بہ صورت دقیق نمی‌توان گفت کہ چہ سالی بودہ است؛ اما می‌توان قرن چہارم را مبدأ پیدایش این سنت حسنہ دانست. *آدام* متز (م ۱۹۱۷م)، مستشرق شناختہ شدہٴ آلمانی، تصریح کردہ است کہ از حوالی سال ۳۰۰ق این مراسم‌ہا شکل گرفتہ‌اند.^۲ همچنین گفتہ شدہ است، نخستین خلیفہٴ فاطمی کہ این سنت را پایہ گذاری کرد، *المعز لدین اللہ* (۳۱۹-۳۶۵ق) چہارمین خلیفہٴ فاطمی بود. نام او *ابوتیمیم* *معدبن منصور اسماعیل بن قائم عبیدی مہدوی مغربی* بود. وی در «مہدیہ» مغرب بہ دنیا آمد و در ۲۲ سالگی پس از مرگ پدرش، در منصوریہ بہ حکومت مغرب دست یافت. *ابوتیمیم* برای استیلا یافتن بر مصر، با خلیفہٴ عباسی وارد جنگ شد، تا اینکہ مصر را از عباسیان گرفت و شہر قاهرہ را بنا کرد.^۳

بہ ہر روی، در قرن چہارم ہجری شاهد شکل گیری مراسم احتفال مولدالنبی ﷺ هستیم کہ با مشارکت علما و ہمراہی مردم رونق زیادی گرفته است. *عبدالمنعم بن عبدالحمید سلطان*، تاریخ‌پژوہ معاصر مصری دربارهٴ احتفال در دورہٴ فاطمیان گفتہ است:

مراسم رسمی احتفال مولد نبوی ﷺ بعد از نماز ظہر روز دوازدهم ربیع الاول آغاز می‌گشت و قاضی القضاات در ابتدای دستہٴ احتفال خارج می‌شد و بہ ہمراہ او افراد زیادی بودند کہ سینی‌های شیرینی را حمل می‌کردند و بہ جامع الازہر وارد می‌شدند. در آنجا قاضی مدتی برای شنیدن قرآن می‌نشست تا قرآن ختم شود؛ سپس دستہٴ شادی بہ قصر بازمی‌گشت؛ در حالی کہ مردم در دو طرف مسیر او را مشاہدہ می‌کردند؛ سپس ہمگی در جلوی قصر بہ شوق دیدار خلیفہ می‌نشستند و پس از زمانی، یکی از پنجرہ‌ہا باز می‌گشت و صورت خلیفہ از آنجا دیدہ

۱. احمدین علی قلقشندی، صبح الأعی فی صناعة الإنشاء، ج ۳، ص ۵۷۶

۲. آدام متز، الحضارة الاسلامیة فی القرن الرابع الهجری، ج ۲، ص ۲۹۸.

۳. احمدین علی مقریزی، اتماط الحففاء بأخبار الأئمة الفاطمیین الخلفاء، ج ۱، ص ۱۰۲.

می‌شد که در کنار او اساتید و بزرگان حضور داشتند و یکی از بزرگان با اشاره می‌گفت: «امیرالمؤمنین به شما سلام می‌کند». پس از آن، مراسم احتفال در قصر با قرائت قرآن آغاز می‌شد؛ سپس خطبا به ذکر مناقب رسول الله ﷺ و مناسبت ولادت حضرت می‌پرداختند و در پایان برای خلیفه دعا می‌کردند؛ سپس خلیفه با مردم خداحافظی می‌کرد و آنان به منازل خود برمی‌گشتند.^۱

این سنت در میان عموم جامعه ریشه دواند و مردم بر انجام آن ثابت‌قدم بودند؛ به‌گونه‌ای که حتی در دوره‌ای که این موالید برگزار نمی‌شد، مردم آن را از یاد نبردند و پس از رفع موانع، دوباره آن را برگزار کردند. این اتفاق در دوره حکومت آل‌مر با حکام الله (۴۹۰-۵۲۴ق) روی داد؛ زمانی که وزیر اعظم او به‌نام *الأفضل/ابوالقاسم شاهنشاه ابن‌الملک امیرالجبوش بدرالجمالی الأرمی* (م ۵۲۶ق) مانع از برگزاری این مراسم‌ها بود؛ ولی دیری نپایید که مخالفت او بی‌اثر شد و مردم شاهد برگزاری مجدد این مراسم‌ها شدند.^۲

قاهره نخستین شهری بود که مراسم احتفال مولدالنبی ﷺ در آن برگزار شد؛ اما برگزاری این مراسم محدود به آن شهر نماند و به مناطق پیرامونی و حتی سرزمین‌های دوردست گسترش یافت.

۲-۲. دوره گسترش مراسم احتفال

پس از برگزاری مراسم مولدالنبی ﷺ در غرب سرزمین اسلام، این مراسم به مناطق مرکزی و حتی شرقی سرزمین‌های اسلامی نیز سرایت کرد و مسلمانان در چهارگوشه جهان اسلام به برگزاری آن اهتمام پیدا کردند. البته این سرایت، تنها به دلیل اثرپذیری از فاطمیان نبود؛ بلکه خود مسلمانان به ضرورت برگزاری چنین مراسم‌هایی به منظور تعظیم و بزرگداشت مقام نبی مکرم ﷺ پی بردند و در سرتاسر ممالک اسلام مراسم مولدالنبی ﷺ برگزار شد.

در شمال سرزمین‌های اسلامی، که مهم‌ترین پایگاه آن منطقه شامات بود، این مراسم توسط سعید گوکبری، معروف به صاحب *اریل* (م ۳۳۰ق)، به صورت رسمی برگزار می‌شد. مورخان نام صاحب *اریل* را به‌عنوان کسی که در دوران حکومت خود مولدالنبی ﷺ را به صورت گسترده برگزار می‌کرد، ذکر می‌کنند.^۳ البته گفته شده است که صاحب *اریل* این عمل را از شیخ *عمر بن محمد الملا* (م ۵۷۰ق)، که یکی از صالحان مشهور در موصل بود، آموخته است.^۴ بنابراین، این مراسم در قرن ششم در منطقه عراق نیز برگزار می‌شده است.

تقریباً همه کسانی که تاریخ زندگی صاحب *اریل* را نوشته‌اند، به برگزاری مراسم مولدالنبی ﷺ اشاره کرده و این مراسم را بسیار پرزرق‌وبرق توصیف نموده‌اند. یکی از کامل‌ترین تعریف‌ها از این مراسم، توصیف *ابن‌خلکان* (م

۱. عبدالمنعم عبدالحمید السلطان، *الحياة الاجتماعية في العصر الفاطمي*، ص ۱۲۶.

۲. احمدین علی مقریزی، *المواعظ والاعتبار بذكر الخطط والآثار*، ج ۲، ص ۳۳۲.

۳. احمدین محمد ابن‌خلکان، *وفیات الأعیان و انباء انباء الزمان*، ج ۴، ص ۱۱۶.

۴. محمدین یوسف الصالحی الشامی، *سبل الهدی و الرشاد*، ج ۱، ص ۳۶۵.

۸۱) عقی است. او که خود متولد «اربل» است، از کودکی شاهد این مراسم بود و کوشیده است بخش‌های زیادی از آن را نقل کند. البته به‌منظور پرهیز از تطویل کلام، ناگزیر از گزیده‌گویی است؛ اما زبان را از بیان دقیق آن قاصر می‌داند. *ابن خلکان* این مراسم را این‌گونه تصویرسازی کرده است:

اما مراسم احتفال ولادت پیامبر ﷺ؛ پس وصف ناتوان از احاطه به آن است؛ اما تنها گوشه‌ای از آن را ذکر می‌کنیم: اهل شهر، اعتقاد درست صاحب اربل را برای برگزاری این مراسم می‌دانستند؛ پس همه‌ساله از شهرهای اطراف اربل مانند بغداد و موصل و جزیره و سنجار و نصیبین و شهرهای عجم و نوای آن، افراد زیادی از فقها و صوفیه و وعاظ و قرا و شعرا می‌آمدند و از محرم تا اوایل ماه ربیع‌الاول خود را به آنجا می‌رساندند و مظفرالدین با نصب قبه‌های چوبی، که هر قبه چهار یا پنج طبقه بود، در آنجا قرار می‌گرفت و حدود بیست قبه یا بیشتر ساخته می‌شد که یک قبه برای مظفرالدین بود و باقی برای امیران و بزرگان دولت. پس وقتی اول ماه صفر می‌رسید، این قبه‌ها را با زینت‌های گران‌بها تزین می‌کردند و در هر قبه‌ای، گروهی از ترانه‌خوانان و گروهی از صاحبان هنر و سرگرمی حضور داشتند؛ و در آن مدت، معایش مردم تعطیل بود و هیچ کاری جز شادی و خوش‌گذرانی نداشتند.

قبه‌ها از باب‌القلعه تا باب خانقاه در مجاور میدان نصب بود و مظفرالدین هر روز بعد از نماز عصر به آنجا می‌آمد و در برابر هر قبه می‌ایستاد و موسیقی آنها را گوش می‌کرد و با آنها به خوشگذرانی می‌پرداخت؛ آنگاه به خانقاه می‌رفت و تا نماز صبح به سماع مشغول می‌شد؛ سپس قبل از ظهر به قلعه بازمی‌گشت و هر روز را این‌گونه می‌گذراند. او یک سال در هشتم ماه ربیع‌الاول و یک سال در دوازدهم ماه ربیع‌الاول این مراسم را برگزار می‌کرد؛ به‌دلیل اختلافی که درباره این تاریخ وجود دارد.

دو روز مانده به مولد، تعداد بسیار زیادی شتر و گاو و گوسفند، که از وصف خارج است، به‌همراه طبل و ترانه‌خوانی و سرگرمی به میدان شهر می‌آوردند و آنها را نحر یا ذبح می‌کردند و دیگ‌های غذا را برپا کرده، غذاهای رنگارنگ و مختلف می‌پختند. وقتی شب مولد فرامی‌رسید، بعد از نماز در قلعه، سماعات آغاز می‌شد؛ سپس به‌همراه شمع‌های روشن فراوان از قلعه خارج می‌شدند که در میان آنها دو یا چهار شمع بود که هر کدام از آنها قاطری حمل می‌کرد و پشت آن کسی بود که آنها را به سمت خانقاه هدایت می‌نمود. پس وقتی صبح مولد می‌رسید، لباس‌های ارزشمند از قلعه تا خانقاه بر روی دستان صوفیه منتقل می‌شد که در دست هر کسی یک بقچه لباس بود و پشت سر هم می‌آمدند و تعداد زیادی، که عددش را نمی‌دانم، از آنجا خارج می‌شدند؛ سپس وارد خانقاه می‌شدند و بزرگان و رؤسا و گروه‌های بزرگی از مردم در آنجا جمع بودند و یک کرسی برای وعاظ قرار داده می‌شد و برای مظفرالدین برج چوبی نصب می‌کردند که پنجره‌هایی بر مردم و کرسی داشت و پنجره‌هایی که به میدان باز می‌شد؛ و آن میدان بسیار بزرگی بود که سربازان در آنجا جمع می‌شدند و مظفرالدین گاهی به سربازان نگاه می‌کرد و گاهی به مردم و وعاظ. تا زمانی که سربازان از آن میدان خارج می‌شدند و صف‌هایی از فقرا و مستمندان وارد میدان می‌شدند و به‌همراه آنان صف‌هایی از غذا و نان فراوان، که قابل شمارش و توصیف نیست، و صف‌های دیگری به خانقاه کشیده می‌شدند برای مردمی که در نزد کرسی جمع بودند؛ و در آن زمان، واعظان یکی‌یکی بزرگان و رؤسا را دعوت می‌کردند و به آنها پاداش می‌دادند و سپس به جای خود بازمی‌گشتند. پس وقتی این کار به پایان می‌رسید، صف‌ها به آنجا می‌آمدند و پاداش هر کسی را تا منزلش حمل می‌کردند. این وضعیت تا عصر و بعد از آن ادامه داشت؛ سپس آن شب را آنجا می‌ماندند و

سماعات را تا صبح انجام می‌دادند. این کاری بود که هر ساله انجام می‌دادند و من صورت حال را خلاصه کردم؛ زیرا بیان همه موارد آن طولانی است. پس وقتی این مراسم به پایان می‌رسید، هر کسی آماده بازگشت به شهر خود بود و به آنها نفقه سفر داده می‌شد.^۱

این گزارش دقیق بیانگر اقداماتی است که در مراسم مولدالنبی ﷺ در منطقه اربل در شمال بغداد در قرن هفتم انجام می‌شده است. دیگر علما نیز به این رویداد اشاره کرده‌اند. شمس‌الدین ذهبی (م ۷۴۸ق) نیز به قبه‌های چوبی و گروه‌های ترانه‌خوانی و سرگرمی و انفاق‌های فراوان اشاره کرده است.^۲

این مراسم یکی از مراسم‌های پرهزینه‌ای بوده که خاطره‌های خوش در ذهن حاضران به‌جا می‌گذاشته است. *سبطین الجوزی* (م ۵۴۴ق) به نقل از کسی که خود در آن مراسم بوده، نقل کرده است:

در صف‌هایی از غذا، صد اسب و پنج هزار سر کباب‌شده و ده هزار مرغ کباب‌شده و صد هزار بشقاب و سی هزار سینی شیرینی دیدم؛ سپس بخشش‌هایی که به بزرگان می‌شد و اموال فراوانی پخش می‌شد و هیچ‌یک از لشکریانش در این صف‌ها حضور نداشت، مگر صاحب حرفه؛ سپس از میدان خارج شده، وارد خانقاه می‌شدند و در آنجا حدود هشتصد تا هزار نفر از صوفیه جمع بودند و از ظهر تا فجر به سماع و رقص مشغول می‌شدند؛ و هر روز صبح کسی می‌آمد و نام همه آنها و شیوخ و جماعات را می‌نوشت و به مشایخ به‌اندازه جایگاهشان، از صد دینار تا سیصد و پانصد دینار می‌بخشید و به پیروان آنها به‌اندازه خودشان می‌دادند و هر کسی که می‌خواست، بازمی‌گشت و هر کسی که می‌خواست، چند روزی آنجا اقامت می‌کرد.^۳

شبهه به این عبارات را *ابن کثیر دمشقی* (م ۷۷۴ق) نیز نقل کرده است.^۴ البته ذهبی این تمجیدها را گرافه‌گویی و غیرواقعی می‌داند؛^۵ ولی می‌گوید: یک‌دهم آن بسیار واقع می‌شود.^۶

برگزاری این مراسم در جنوب سرزمین‌های اسلامی (حجاز) نیز - که موطن سربرآوردن خورشید اسلام بوده و آثار زیادی از رسول‌الله ﷺ و صحابه در آنجا وجود داشته است - نشان از این دارد که مسلمانان آن را با جان و دل پذیرفته بوده و نوعی تعظیم و احترام به پیامبر خاتم ﷺ می‌دانسته‌اند. *ابن جبیر اندلسی* (م ۱۴۴ق)، جهانگرد معروف، که در خلال سال‌های ۵۷۸-۵۸۱ق به سرزمین‌های شرقی اسلام سفر کرده، در سال ۵۷۹ق به سرزمین وحی رسیده و مشاهدات خود را از مکه و مدینه ثبت کرده است. وی درباره مکان ولادت پیامبر اکرم ﷺ و مراسم مولدالنبی ﷺ که مردم مکه برگزار می‌کردند، می‌نویسد:

۱. احمدبن محمد ابن خلکان، وفیات الأعیان، ج ۴، ص ۱۱۶-۱۱۹.

۲. محمدبن احمد ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۲۲، ص ۳۳۶.

۳. یوسفبن قز اوغلی سبطین الجوزی، مرآةالزمان فی تواریخ الأعیان، ج ۲۲، ص ۳۳۴.

۴. اسماعیلبن عمر ابن کثیر دمشقی، البدایة و النهایة، ج ۱۳، ص ۱۶۰.

۵. محمدبن احمد ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۱۳، ص ۹۳۰.

۶. محمدبن احمد ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۲۲، ص ۳۳۷.

و از مشاهد کریمه مکه، مکان ولادت پیامبر ﷺ است و آن اولین زمینی است که جسم پاک پیامبر ﷺ را لمس کرده است. در آنجا مسجدی ساخته شده که مسجدی مانند آن از نظر استقبال مردم دیده نشده است و بیشتر آن مسجد طلاکاری شده است و مکان مقدسی که رسول الله ﷺ در زمان ولادت سعید و مبارکی که خداوند آن را رحمتی برای همه امت قرار داده است، در آنجا به دنیا آمدند، با نقره پوشیده شده است. پس خوشا به حال زمینی که خداوند آن را با تولد پاک‌ترین بدن‌ها و بهترین مخلوقات شرافت داده است؛ صلی الله علیه وعلی آله و أصحابه الکرام وسلم تسلیما.

این موضع مبارک در روز دوازدهم ماه ربیع‌الاول گشوده می‌شود و همه مردم در آنجا داخل می‌شوند و به آن تبرک می‌کنند؛ زیرا این ماه، ماه ولادت پیامبر ﷺ است و در چنین روزی پیامبر ﷺ به دنیا آمد و همه این مواضع مقدسه - که بیان کردیم - باز می‌شود و این روز همیشه در مکه مشهور است.^۱

از این عبارات به خوبی فهمیده می‌شود که مراسم مولدالنبی ﷺ از نیمه قرن ششم در مکه به عنوان یکی از مراسم‌های دینی در نزد مسلمانان آن دیار مشهور بوده است.

در برخی منابع ذکر شده که شرق سرزمین‌های اسلامی نیز شاهد برگزاری چنین مراسم‌هایی بوده است. آن گونه که نقل شده است، سلطان محمود غزنوی (۳۶۱-۴۲۱ق)، از فرمانروایان خاندان غزنویان در خراسان و هندوستان، برای تقابل با احتفال شیعیان که برای مولد امام حسن مجتبی ﷺ انجام می‌دادند، دستور برگزاری احتفال مولدالنبی ﷺ را صادر کرد و سایر مسلمانان نیز این سنت او را پذیرفتند و بدین ترتیب در دیگر نقاط سرزمین‌های اسلامی منتشر شد.^۲

همچنین در منتهی‌الیه غرب اسلامی در سرزمین مغرب (مراکش کنونی) مراسم مولدالنبی از سال ۶۹۱ق به صورت رسمی توسط ابویعقوب یوسف الناصر (حک: ۵۶-۶۷۰ق)، حاکم دولت مرینیان (۵۹۲-۹۵۷ق)، که پیرو فقه مالکی بودند، راه‌اندازی شد و مورد پذیرش مسلمانان قرار گرفت. البته برگزاری این مراسم یک رسم پادشاهانه نبود؛ بلکه ابویعقوب آن را از ابوالعباس محمدبن احمد العزفی السبئی (م ۳۳ق) عالم شناخته‌شده و قاضی القضاة مغرب آموخته بود. العزفی کسی بود که این مراسم را به صورت مردمی بنیان گذاشت و کتابی به نام الدر المنظم فی مولدالنبی المعظم به رشته تحریر درآورد.^۳ پس از او ابوالقاسم محمد العزفی حاکم «سبته» (سئوتا از توابع اسپانیا) شد و این مراسم را از سال ۴۸ق به مدت سی سال برگزار کرد. چنان که از گزارش ابن عثاری (م حدود ۹۵ق)، مورخ مراکشی، درباره اقدامات حاکم سبته در برگزاری احتفال مولدالنبی ﷺ به دست می‌آید، این مراسم شباهت زیادی با مراسم‌هایی که در مصر برگزار می‌شد، دارد و می‌توان آن را وامدار فاطمیان دانست.^۴

۱. محمدبن احمد ابن جبیر اندلسی، رحلة ابن جبیر، ص ۹۳.

۲. صادق الرزقی، الاغانی التونسیه، ص ۸۴، پاورقی ۱.

۳. محمد المنونی، ورفات عن حضارة المرینیین، ص ۵۱۸.

۴. محمدبن محمد ابن عثاری مراکشی، البیان المغرب فی اخبار اندلس و المغرب، ص ۳۹۸.

این سنت حسنه در میان علما و مردم ریشه دواند و حتی زمانی که ابوسعید ثالث (حک: ۸۰۱-۸۲۳ق) در واپسین روزهای حکومت مرینیان تلاش کرد تا این مراسم رسمی را تعطیل کند، به دلیل رسوخ این مراسم در میان مردم، در دولت سعدیان (۹۱۷-۱۰۶۹ق) توسط ابوالعباس احمد المنصور الذهبی السعدی (حک: ۹۸۶-۱۰۱۲ق) دوباره این مراسم به صورت رسمی برگزار شد و خود خلیفه در آن شرکت کرد و هدایای فراوانی به حضار بخشید.^۱ دربارهٔ بخشش‌های خلیفه در روز مولدالنبی ﷺ این گونه نقل شده است: در آن روز اموال بسیاری که قابل شمارش نیست، انفاق می‌کرد و به هر کسی به اندازهٔ جایگاهش از سیصد تا پنج هزار اوقیه (واحد پولی قریب هفت مثقال طلا) می‌بخشید و به فقیه نحوی، ابوالعباس احمد زموری، در آن سال نزدیک به پنج هزار اوقیه و باغی در مراکش و زمین کشاورزی در مراکش و غیر آن رسید.^۲

اعطای چنین هدایایی در بردارندهٔ پیام مهمی است و از سرور و خوشحالی عمیق مردم به مناسبت مولدالنبی ﷺ و تلاش برای فرهنگ‌سازی بیشتر برای رواج چنین مراسمی خبر می‌دهد. این سنت از سوی مردم و حاکمان حمایت می‌شد و یکدیگر را به برگزاری آن توصیه می‌کردند؛ چنان که ابوحمو موسی الزیانی (م ۷۹۱ق)، حاکم تلمسان (شمال غرب الجزایر کنونی)، برگزاری این مراسم و انفاق همگانی را به فرزندش توصیه کرد.^۳

با نگاهی به پیشینهٔ تشکیل مراسم مولدالنبی ﷺ فهمیده می‌شود که در چهارگوشهٔ جهان اسلام این مراسم به‌عنوان یکی از راه‌های ابراز محبت و تعظیم پیامبر خاتم ﷺ از سوی مسلمانان برگزار می‌شده است. البته بروز مسائلی در این میان، باعث شد این مراسم با اشکالاتی مواجه شود که در ادامه به آن اشاره می‌کنیم.

۲-۳. دورهٔ اختلاط مراسم احتفال

مراد از «اختلاط»، بروز رفتارهای ناپسند در مراسم مولدالنبی ﷺ از سوی برخی مسلمانان است که تحت تأثیر فرقه‌ها و گرایش‌های فکری و اخلاقی به انجام آن مبادرت می‌ورزیدند. بازیگران اصلی این انحراف را باید صوفیان دانست. آنان، که با برگزاری مراسم‌های ویژهٔ خود مورد نكوهش علما بودند، با ورود به مراسم مولدالنبی ﷺ این مراسم را نیز به انحراف کشاندند. اگرچه صوفیه در میان اهل سنت پایگاه مستحکمی برای خود ساخته بود و تودهٔ مردم و بسیاری از علما به این منش گرایش داشتند، اما بروز انحرافات و بدعت‌های ناپسند فراوان از سوی صوفیه، باعث شده بود که آنها همیشه در زیر تیغ نقد برخی علما قرار گیرند و مسلمانان در خصوص تحركات آنان حساسیت ویژه‌ای داشتند.

۱. احمدین محمد ابن القاضی، المتفتی المفصور علی مآثر الخلیفه المنصور، ج ۱، ص ۳۶۹-۳۸۰.

۲. همان، ص ۱۷۰.

۳. عبدالعزیز فیلالی، تلمسان فی العهد الزیانی، ص ۲۸۴.

از مهم‌ترین اعمال اختصاصی صوفیه، ذکر و سماع است. «ذکر» از دیدگاه صوفیه به معنای پشت کردن به همه مظاهر دنیوی و روی آوردن به سوی خداوند متعال است^۱ و «سماع» موهبتی روحی است که در نتیجه آن، شخص توانایی شنیدن صداهایی را دارد که سایر مردم با حواس عادی آن را نمی‌شنوند.^۲ البته این سماع به همراه نغمه‌های شاعران و مغنیان است و سماع موردنظر، حال و انقلاب روحی‌ای است که در افراد ایجاد می‌شود. بنابراین نغمه‌سرایی و شعرخوانی از لوازم برقراری ارتباط قلبی میان صوفیان با آن موهبت روحی است. عبدالکریم قشیری (م ۴۶۵ق)، از عالمان برجسته صوفیه، استفاده از لحن‌های زیبا و نغمه‌های لذت‌بخش غیر منہی را جایز می‌داند.^۳

حنید بغدادی (م ۳۹۸ق)، از مهم‌ترین رهبران صوفیه، سماع را منوط به زمان، مکان و آخوان (جمع همفکران) می‌داند.^۴ با کنار هم قرار گرفتن ذکر و سماع و آخوان، وجد و رقص نیز شکل می‌گیرد و حرکات موزون و فنای در معشوق برای صوفیان حاصل می‌شود. ابوحامد غزالی (م ۵۰۵ق) بخشی از کتاب *احیاء علوم‌الدین* را به آداب سماع و وجد (رقص) اختصاص داده و آن را روش سخن گفتن عشق عقلی توصیف کرده است.^۵

در توضیح سماع گفته شد که متشکل از زمان و مکان و آخوان بوده و طبیعی است که زمان و مکان و برادران و وجد و رقص، تشکیل‌دهنده محفلی است که سماع در آنجا واقع می‌شود. در نتیجه، برگزاری سماع تنها با برگزاری مراسمی که افراد زیادی در آنجا مجتمع باشند، امکان دارد. این شرایط در مراسم مولدانبی ﷺ و دیگر اعیاد اسلامی کاملاً فراهم بوده است. براین اساس یکی از بهترین موقعیت‌هایی که صوفیه می‌توانستند برنامه‌های خود را زیر سایه شریعت انجام دهند، مراسم مولدانبی ﷺ و دیگر اعیاد اسلامی بوده است؛ زیرا بیشتر مراسم‌های آنها همراه با سماع و رقص بود و این حرکات با مراسم عزاداری و ماتم سازگار نبود؛ بنابراین باید به دنبال مراسم شادی و سرور می‌بودند و مولدانبی ﷺ در کنار اعیاد اسلامی، از بهترین زمان‌هایی بود که آنها می‌توانستند مراسم‌های خود را برگزار کنند و شمار زیادی از مسلمانان را با خود همراه سازند؛ زیرا این ایام در نظر مسلمانان محترم بود و آنها نیز در این ایام دست کم سرور و ابتهاج قلبی دارند. از این رو، صوفیه برای مراسم مولدانبی ﷺ حساب ویژه‌ای باز کرده بودند. در نتیجه با برگزاری مراسم مولدانبی ﷺ، بخش از مسلمانان که گرایش‌های صوفیانه داشتند، برنامه‌های اختصاصی خود را در مراسم مولدانبی ﷺ وارد کردند و با پررنگ شدن این مراسم در سراسر جهان اسلام و حضور صوفیان در همه این مناطق، رفته‌رفته مولدانبی ﷺ به یکی از مراسم‌های اصلی صوفیان تبدیل گشت و حتی در برخی مناطق، صوفیه متولی برگزاری این مراسم شناخته شد.

۱. محمدبن ابراهیم کلاباذی، التعرف لمذهب اهل التصوف، ص ۱۰۳.

۲. عبدالله بن علی السراج طوسی، اللمع فی التصوف، ص ۳۴۲.

۳. عبدالکریم قشیری، الرسالة القشیریة، ص ۵۴۲.

۴. عبدالله بن علی السراج طوسی، اللمع فی التصوف، ص ۳۴۲.

۵. ابوحامد غزالی، احیاء علوم‌الدین، ج ۲، ص ۲۹۲.

با نگاهی به گزارش‌های مربوط به برگزاری مراسم مولدالنبی ﷺ شاهد حضور صوفیان و نمادهای آنان در این مراسم هستیم. برای نمونه، در زمان صاحب‌الریل (م ۶۳۰ق)، «خانقاه» مکان اصلی اجتماع متحفلین معرفی می‌شد که صوفیان از شب تا نماز صبح در آنجا به سماع مشغول می‌شدند.^۱

در زمان ابونصر قانصوه العوری (م ۹۲۲ق)، از سلاطین خاندان بُرجیه در دورهٔ ممالیک مصر، صوفیان از معرکه‌گردانان اصلی مراسم مولدالنبی ﷺ به‌شمار می‌آمدند و بخش اصلی مراسم، به برنامهٔ شیوخ صوفیه اختصاص داشت:

پس از اینکه همهٔ مردم در آن مراسم در کنار قلعه جمع می‌شدند، به حیاط قلعه می‌رفتند و هر دسته‌ای در مکان مخصوص خود می‌نشست؛ سپس قاریان با صدای زیبا و نغمه‌های محزون و آهنگین، آیات قرآن را می‌خواندند؛ آنگاه خطیبان برای وعظ و ارشاد می‌آمدند و احادیث واردشده دربارهٔ اوامر و نواهی دینی را بیان می‌کردند؛ سپس بزرگان طرق صوفیه می‌آمدند و اوراد و دعاها را می‌خواندند.^۲

البته برخی از اقداماتی که در مراسم مولدالنبی ﷺ صورت می‌گرفت، اختصاصی به صوفیه نداشت؛ اما بیشتر، از سوی آنان پیگیری می‌شد. برای مثال، شمع‌گردانی از رسومی بود که در این مراسم انجام می‌گرفت و مختص صوفیان نبود. گزارشی از این رویداد، در مراکش قرن دهم به ثبت رسیده است.^۳

نتیجه اینکه مراسم احتفال مولدالنبی ﷺ که به‌منظور تعظیم جایگاه رسول‌الله ﷺ و اظهار مودت مسلمانان پایه‌گذاری شده بود، در اثر اختلاط با برخی رسوم و عادات گروه‌های منحرف، مانند صوفیه، به انحراف کشیده شد و حتی در مواردی شاهد بروز منکرات و مناهای در این مراسم هستیم. طبیعی است که این اتفاقات باعث موضع‌گیری علما در برابر چنین مراسم‌هایی شود.

۲-۴. دورهٔ مقابلهٔ علما با مراسم احتفال

مقابلهٔ علما با این مراسم را می‌توان از زمان اختلاط مراسم با برخی کارها دانست که تناسب چندان با احکام و آداب اسلامی نداشت. البته توجه به این نکته ضروری است که اگر مولدالنبی ﷺ را ظرف وقوع مراسم بدانیم، علما به نقد مظروف می‌پرداختند، نه ظرف وقوع. توضیح سخن اینکه مخالفت‌های علما با مراسم مولدالنبی ﷺ، نه با اصل این مراسم، بلکه با کارهایی بوده که در این مراسم و دیگر مراسم‌ها صورت می‌گرفته است. شاهد بر این سخن اینکه نقدهای بیان‌شده اختصاصی به مولدالنبی ﷺ نداشته است و مراسم‌های دیگری هم که به‌همراه این منکرات انجام می‌شده، با نقد علما مواجه بوده

۱. احمدین محمد ابن خلکان، وفیات الأعیان، ج ۴، ص ۱۱۸.

۲. حسن سنوبی، تاریخ الاحتفال بالمولد النبوی، ص ۱۲۶.

۳. احمدین محمد مقرئ تلمسانی، روضة الآس العاطرة الانفاس، ص ۱۳.

است. البته ناگفته نماند، در این میان افرادی هم بوده‌اند که با اصل مراسم مولدالنبی ﷺ مخالفت کرده و مشروعیت آن را به چالش کشیده‌اند؛ ولی تعداد این افراد کمتر از عالمانی است که از بدعت‌ها و انحرافات این مراسم نهی کرده‌اند.

به جرئت می‌توان گفت نخستین کسی که بر عدم جواز احتفال مولدالنبی ﷺ فتوا داده، ابن تیمیه حرائی (م ۷۲۸ق) است. اگرچه فتاوی‌ای از علمای هم‌عصر او نیز بر بدعی بودن احتفال وجود دارد، اما ابن تیمیه بر این افراد پیشی گرفته است. او در کتاب *اقتضاء الصراط المستقیم*، که حدود سال ۷۰۵ق نوشته، این مراسم را به دلیل عدم برگزاری آن در زمان سلف، بدعت می‌خواند.^۱ البته ابن تیمیه این نکته را نیز یادآور شده است که اگرچه این مراسم‌ها بدعی‌اند، اما انجام‌دهندگان آن به سبب قصد و نیت پاکی که دارند و آن تعظیم رسول الله ﷺ است، از اجر و پاداش بی‌نصیب نخواهند بود.^۲

ناگفته نماند که نمی‌توان مخالفت‌های ابن تیمیه با احتفال را تنها در راستای مبارزهٔ او با امور منکر موجود در این مراسم‌ها خلاصه کرد؛ بلکه وی بر پایهٔ اندیشه‌ای که برخاسته از خوانش او از توحید و شرک، عبادت و دعای دون الله است، بسیاری از امور مشروع را به‌منظور جلوگیری از تبدیل شدن به امور شرکی (سد ذریعه)، غیر جایز دانسته است که احتفال نیز در ردیف این امور قرار می‌گیرد. بنابراین، منشأ مخالفت ابن تیمیه با احتفال، با مخالفت‌های دیگر علمای اهل سنت تفاوت دارد.

از دیگر کسانی که در ردّ مراسم مولدالنبی ﷺ کتاب نوشته، تاج‌الدین فاکهانی (م ۷۳۴ق) است. او با نگارش جزوه‌ای مختصر به‌نام *المورد فی عمل المولد*، که در پاسخ به سؤالی دربارهٔ مشروعیت مولد نوشته شده است، این عمل را فاقد وجاهت شرعی می‌داند.^۳ فاکهانی برگزاری جشن میلاد رسول الله ﷺ را دارای دو حکم کراهت و حرمت می‌داند: کراهت، برای اینکه هیچ‌یک از صحابه و متقدمین آن را انجام نداده‌اند؛ و حرمت، در صورتی که این مراسم‌ها با اسراف و اختلاط زن و مرد و رقص و غنا همراه باشد.^۴ البته به‌نظر می‌رسد که حکم کراهت فاکهانی نوعی حکم پیشگیرانه است تا از برگزاری مراسم‌هایی که ممکن است به گناهانی از قبیل اختلاط زن و مرد و رقص و غنا کشیده شود، جلوگیری کند. به عبارت دیگر، از آنجاکه غالب مراسم‌های مولدالنبی ﷺ در آن زمان با فسق و فجور آمیخته بود، علما به آن حساسیت ویژه‌ای نشان می‌دادند. دلایلی هم که فاکهانی برای حرمت این مراسم بیان کرده، مورد پذیرش همهٔ علمای اسلام است و

۱. احمدین عبدالحمیم ابن تیمیه حرائی، *اقتضاء الصراط المستقیم لمخالفة اصحاب الجحیم*، ج ۲، ص ۱۲۳.

۲. همان.

۳. عمرین علی فاکهانی، *المورد فی عمل المولد*، ص ۹.

۴. همان، ص ۹-۱۲.

حضور در هر اجتماع و مراسمی که باعث زیر پا گذاشتن حدود الهی شود، بالاتفاق غیرجایز دانسته شده است. بنابراین، بدعی بودن احتفال از دیدگاه فاکهانی به سبب بدعت‌هایی است که در این مراسم انجام می‌شود، نه اصل این مراسم. سیوطی (م ۹۱۱ق) در نقد سخن فاکهانی به این نکته اشاره می‌کند که اشکالات او نمی‌تواند متوجه اصل مراسم باشد؛ بلکه ایراد اصلی، حواشی این مراسم است که باید از آنها پرهیز کرد؛ زیرا در این صورت، اگر این اتفاقات در نماز جمعه روی دهد، باید حکم به حرمت نماز جمعه داد؛ درحالی که کسی به این سخن پایبند نیست.^۱

ابن‌الحاج مالکی (م ۷۳۷ق) یکی دیگر از مخالفان احتفال است که با اشاره به اعمال منافی ایمان و تقوا که در این مراسم انجام می‌شود، مؤمنان را از حضور در مولدالنبی ﷺ برحذر داشته است. از گزارش او فهمیده می‌شود که این مراسم در قرن هشتم با برگزاری مراسم سماع صوفیه و استفاده از ترانه‌خوانان و آلات موسیقی، مانند تار صرصر و نی، همراه بوده است.^۲ ابن‌الحاج برای هرچه بیشتر قبیح نشان دادن این مراسم‌ها، از ذکر امور منافی عفتی که در این مراسم‌ها روی می‌داده، غافل نبوده است؛^۳ اما آنچه از تمام سخنان ابن‌الحاج دستگیر می‌شود، این است که علت تحریم چنین مراسم‌هایی از دیدگاه او، وقوع مفاسد فراوان در این مراسم‌ها بوده است. در حقیقت، این‌گونه مراسم‌ها بنفسه موضوعیتی برای حرمت ندارند؛ بلکه انجام امور حرام در آنها باعث حرام شدن این مراسم‌ها شده است. سیوطی به خوبی این غرض ابن‌الحاج را تبیین کرده است.^۴

بنابراین می‌توان ادعا کرد که «وقوع مفاسد» کلیدواژه اصلی مخالفان مراسم جشن و سرور بوده که در اعیاد و موالید رخ می‌داده است. البته این مسائل هیچ اختصاصی به مولدالنبی ﷺ نداشته؛ بلکه در بسیاری از مراسم‌ها و اجتماعات مردمی قابل مشاهده بوده است. محیی‌الدین نووی (م ۷۶۶ق) در مقام بیان بدعت‌های روز عرفه، به مواردی از قبیل شمع‌گردانی، انفاق‌های فراوان و اختلاط زن و مرد اشاره کرده که نظیر آن چیزی است که در مراسم احتفال روی می‌داده است.^۵

در نتیجه، فهمیده می‌شود که آنچه تحمل آن برای علما دشوار بود، مشاهده مفاسدی بوده که در مراسم‌های مذهبی صورت می‌گرفته است و ایشان بر خود لازم می‌دانستند که از این مفاسد جلوگیری کنند. مؤید دیگر بر این ادعا، اقدامات محمدبن/محمدبن مرزوق (م ۷۸۱ق) فقیه برجسته تلمسان (شمال غربی

۱. عبدالرحمن سیوطی، حسن المقصد فی عمل المولد، ص ۵۳.

۲. محمدبن محمد ابن‌الحاج، المدخل، ج ۲، ص ۲.

۳. همان.

۴. عبدالرحمن سیوطی، حسن المقصد فی عمل المولد، ص ۶۱.

۵. یحیی‌بن شرف نووی، المجموع شرح المذهب، ج ۸، ص ۱۱۸.

الجزایر کنونی) است. او به مخالفت تمام‌قد با مراسم مولدالنبی ﷺ پرداخت و تا زمانی که زنده بود، اجازهٔ برگزاری آن را در تلمسان نداد.^۱

این در حالی است که همو کتاب مستقلی با عنوان *جنی الجنتین فی شرف اللیلین لیلۃ القدر و لیلۃ المولد* نوشته و ادلهٔ فراوانی بر فضیلت زمان ولادت پیامبر ﷺ اقامه کرده است. او حتی ۲۱ دلیل آورده و به پانزده اشکال پاسخ داده است تا ثابت کند که لیلۃ‌المولد برتر از لیلۃ‌القدر است؛ از جمله اینکه لیلۃ‌المولد شب ظهور پیامبر ﷺ است و لیلۃ‌القدر شب اعطای قرآن به رسول‌الله ﷺ؛ و بدون شک تا ظهور پیامبر ﷺ محقق نشود، هیچ اعطایی صورت نمی‌گیرد.^۲ ابن‌مرزوق در بخش دیگری از این کتاب، روش حاکمان پیشین در برگزاری مراسم احتفال را پسندیده است.^۳

بنابراین، علما به این درک رسیده بودند که قصد مسلمانان از برگزاری چنین مراسم‌هایی، چیزی جز بزرگداشت و احترام و اظهار مودت به رسول‌الله ﷺ نیست؛ اما آورده شدن این مراسم‌ها با بدعت‌های صوفیه، آنان را به مخالفت با اصل این مراسم وادار کرد. *شهاب‌الدین المقرئ* (م ۱۰۴۱ق)، از مورخان اندلس که شاهد یکی از مراسم‌های مولدالنبی ﷺ در مراکش بوده، نیز میان نیت برگزارکنندگان و اعمال ناشایست برخی در آن، تفکیک قائل شده است: «و من در سال ۱۰۱۰ در مراکش بودم و شاهد قرائت کراسه [کتاب خطبه و اشعار] شیخ [ابن‌عباد] در مراسم مولدالنبی ﷺ در مقابل سلطان احمد المنصور بالله شریف حسنی بودم؛ و در آن مراسم، امور غریبی انجام گرفت که خداوند به نیت خیر آنها پاداش دهد».^۴

ناگفته نماند که حتی علمای سرشناس صوفیه نیز با انجام منکرات در مراسم مولدالنبی ﷺ مخالف بوده و اجازهٔ آمیخته شدن تعظیم رسول‌الله ﷺ با اعمال ناشایست را نمی‌دادند. برای نمونه، برخی از پیروان *ابن‌عباد رندی* (م ۷۹۲ق)، از رهبران طریقت شاذلیه در اندلس، به نقد این مراسم پرداخته؛ اما میان حواشی و اصل مراسم تفکیک قائل شده‌اند:

کسی که در این زمان انکار می‌کند اجتماع در مکاتب برای کودکان را، تنها به جهت ترس از وقوع منکرات و اختلاط زنان و مردان انکار می‌کند؛ اما اگر از این مفاسد در امان باشد، پس شکی در پسندیده بودن این کارها از اجتماع و ذکر محاسن و صلوات بر رسول‌الله ﷺ در سایر بقاع نیست؛ و حرام است استعمال آلت لهو در اجتماع این شب و جایز نیست تعظیم پیامبر خدا ﷺ، مگر با مطالبی که رسول‌الله ﷺ و خداوند راضی است؛ بلکه سزاوار است صدقهٔ مخفیانه دادن به جای توزیع غذا در این ایام؛ زیرا این کارها از فساد در نیت و حضور در جماعات سالم می‌ماند.^۵

۱. احمدین یحیی الوثنریسی، المعیار المغرب و الجامع المغرب، ج ۲، ص ۴۷۱.

۲. ابن‌مرزوق التلمسانی، جنی الجنتین فی شرف اللیلین لیلۃ القدر و لیلۃ المولد، ص ۱۸۹.

۳. همان، ص ۲۱۱.

۴. احمدین محمد مقرئ تلمسانی، نفع الطیب من غصن الأندلس الرطیب، ج ۵، ص ۳۵۰.

۵. احمدین یحیی الوثنریسی، المعیار المغرب و الجامع المغرب، ج ۱۱، ص ۳۷۹.

ابن حجر هیتیمی (م ۹۷۴ق)، از دیگر علما که گرایش‌های صوفیانه دارد، نیز به وجود محاسن و مفاسد در مراسم مولدالنبی ﷺ اشاره کرده است. از منظر او، با وجود همه خیراتی که در این مراسم وجود دارد، تنها اختلاط زن و مرد کافی است تا آن را منع کنند.^۱

نتیجه سخن اینکه آمیخته شدن مراسم مولد نبوی ﷺ با اعمالی که برخی صوفیان آن زمان انجام می‌دادند، باعث منحرف شدن این مراسم از اهداف اصلی خود شده است؛ چراکه از زمان پیدایش چنین مراسم‌هایی، که آن را اواخر قرن چهارم و در دولت فاطمیون می‌دانند، هیچ نهی و نکوهش جدی از جانب علمای اهل سنت درباره برگزاری این مراسم‌ها ثبت نشده است؛ اما با گسترش مکاتب صوفیه در میان اهل سنت و ترویج بدعت‌های آنان، مبارزات علما با این جریان اباحی طلب آغاز شد و ایشان مسلمانان را از همه مناسک خودساخته آنان برحذر می‌داشتند.

۲-۵. دوره تکفیر برگزاری احتفال

این دوره را می‌توان مهم‌ترین دوره‌ای دانست که باعث موضع‌گیری شدید برخی علما در برابر احتفال شده است. در دوره مقابله علما با احتفال، شاهد پاره‌ای از فتاوا و سخنان هستیم که برخی علما به سبب بروز مفاسدی در مراسم احتفال، در درجه اول از این منکرات برحذر داشتند و به منظور از بین بردن زمینه‌های شکل‌گیری چنین منکراتی، اصل مراسم احتفال را بدعت دانسته‌اند؛ اما هم‌زمان با بروز اندیشه‌های افراط‌گرایانه و وهابیت، مخالفت با این مراسم، نه برای مخالفت با مفاسد موجود در آن، بلکه به هدف از بین بردن اصل این مراسم بوده است. البته این رویکرد وهابیت، برخاسته از مخالفت‌هایی است که پیش از آنان توسط افرادی مانند ابن تیمیه صورت پذیرفته بود. بنابراین می‌توان جنس مخالفت وهابیت با احتفال را متفاوت با جنس مخالفت علمای اهل سنت و همسو با دیدگاه ابن تیمیه تفسیر کرد.

البته در تألیفات محمد بن عبدالوهاب نجدی (م ۱۲۰۶ق) گزاره‌های چندانی در نفی احتفال دیده نمی‌شود؛ اما از سیره عملی او فهمیده می‌شود که وی مبارزه شدیدی با این مراسم داشته است. زهاوی (م ۱۳۵۴ق)، از علمای سرشناس مخالف وهابیت، یکی از جنایات محمد بن عبدالوهاب را مبارزه او با مراسم مولدالنبی ﷺ می‌داند:

از قبایح ابن عبدالوهاب، سوزاندن بسیاری از کتب علمی و کشتن بسیاری از علما و خواص و عوام مردم، و مباح دانستن خون و اموال آنان، و نبش قبور اولیاء است، او دستور داده بود که در احساء برخی از قبور را محل قضاء حاجت قرار دهند و مردم را از قرائت دلائل الخیرات منع می‌کرد و از اذکار و قرائت در مولدالنبی ﷺ و از درود بر پیامبر ﷺ در منابر بعد از اذان منع می‌کرد و کسی که این کارها را انجام می‌داد، به قتل می‌رساند.^۲

۱. احمد بن محمد ابن حجر هیتیمی، الفتاوی الحدیثیه، ص ۱۰۹.

۲. جمیل صدقی الزهاوی، الفجر الصادق فی الرد علی الفرقة الوهابیه المارقه، ص ۲۱.

بنابراین فهمیده می‌شود که یکی از اقدامات ویرانگر محمدبن عبدالوهاب، مبارزه با مراسم مولدالنبی ﷺ بوده است. این سخن به طریق اولی ثابت می‌کند که مردم حجاز تا پیش از خروج محمدبن عبدالوهاب، بر این سنت مداومت داشته‌اند.

البته آثار پیروان محمدبن عبدالوهاب آکنده از مطالبی است که به تحریم این مراسم پرداخته‌اند. محمدبن عبداللطیف آل‌الشیخ (م ۱۳۶۷ق) در پاسخ به سؤالی درباره مولدالنبی ﷺ گفته است: هزینه کردن اموال برای مولدالنبی ﷺ بدعت حرامی است و خوردن غذایی که از این اموال تهیه شده است، جایز نیست.^۱

محمد جمال‌الدین قاسمی (م ۱۳۳۲ق) در کتاب *اصلاح المساجد من البدع والعيوائد*، بخشی را با عنوان «الاحتراز عن البدع فی الاحتفال بقراءة المولد النبوی» اختصاص داده و به نهی شدید از این مراسم پرداخته است.^۲ ابن‌سحمان العسیری (م ۱۳۴۹ق) و محمدبن ابراهیم آل‌الشیخ (م ۱۳۸۹ق) نیز بانگ نامشروعیت این مراسم را سر برآورده‌اند.^۳

نهایت مخالفت وهابیت با مولدالنبی ﷺ، در فتوای کفر این اندیشه تبلور یافته است. محمدبن عبداللطیف آل‌الشیخ (م ۱۳۶۷ق) افزون بر اینکه عقیده به جواز این مراسم‌ها را کفر می‌داند، حتی کسی را که مرتکبان این مراسم را کافر نداند، تکفیر کرده است: «و این اعیاد شبیه اعیاد جاهلیت‌اند؛ پس کسی که اعتقاد به جواز و حلیت آنها داشته باشد و آن را عبادت و دین بداند، پس او کافرترین و گمراه‌ترین مخلوقات خداوند است و کسی که پس از اقامه شدن دلیل و حجت، در کفر این افراد شک داشته باشد، او نیز کافر است.»^۴

اگرچه امروزه در فتاوی وهابیت شاهد چنین افراط‌گرایی در تکفیر مولدالنبی ﷺ نیستیم، اما بی‌تردید زمینه‌های شکل‌گیری چنین عقایدی از میان این منابع، انکارناشدنی است و جنایات گروه‌های تکفیری که آبشخور فکری آنان در نوشته‌های وهابیان است، بهترین گواه بر محتوا و مدلول چنین فتاوی‌ای است.

نتیجه‌گیری

برایند مطالب بیان شده این است که مراسم احتفال مولدالنبی ﷺ ابتدا از سوی مسلمانان و به‌منظور تعظیم و بزرگداشت مقام خاتم‌الانبیاء ﷺ و اظهار مودت و دوستی به آن حضرت پایه‌گذاری شد و بر پایه چنین منطقی، به‌سرعت در سراسر جهان اسلام انتشار یافت؛ اما بروز پاره‌ای رفتارهای نادرست و نفوذ برخی اندیشه‌های باطل در این مراسم، مانند عقاید صوفیه، باعث به‌انحراف کشیده شدن این مراسم و آمیخته شدن آن با

۱. عبدالرحمن بن محمد العاصمی نجدی، علماء نجد، الدرر السنية فی الأوبة التجديده، ج ۱۰، ص ۴۴۷.

۲. محمد جمال‌الدین قاسمی، اصلاح المساجد من البدع والعيوائد، ص ۱۱۴.

۳. سلیمان ابن‌سحمان العسیری، الضیاء الشارق فی رد شبهات المادق المارق، ج ۱۲۷؛ محمدبن ابراهیم آل‌الشیخ، فتاوی و رسائل محمدبن ابراهیم بن عبداللطیف آل‌الشیخ، ج ۳ ص ۵۷.

۴. عبدالرحمن بن محمد العاصمی نجدی، علماء نجد، الدرر السنية فی الأوبة التجديده، ج ۱۰، ص ۴۴۰.

مفاسد اخلاقی و عقیدتی شد. در این دوره، علمای اهل سنت به میدان آمدند و به مخالفت با چنین کج روی‌هایی پرداختند. آنان ابتدا تلاش کردند تا میان اصل مراسم مولدالنبی ﷺ و مفاسدی که در آن روی می‌دهد، تفکیک قائل شوند؛ اما رفته‌رفته با ظهور تفکر افراط‌گرایانی همچون وهابیت، این مخالفت‌ها به اصل مراسم نیز بازگشت و حتی آن را تا درجه کفر بالا بردند.

در این میان، اما بسیاری از مسلمانان به دنبال انجام دستور قرآن مبنی بر لزوم احترام و مودت به رسول الله ﷺ و ذوی‌القربای ایشان هستند و به دور از هرگونه انحراف و فساد، مراسم مولید را با تشکیل اجتماعات مؤمنانه و محفل‌های خداجویانه برگزار می‌کنند. بی‌تردید چنین مراسم‌هایی، نه تنها مورد نهی علما قرار نمی‌گیرد، بلکه مؤیدات فراوانی بر مشروعیت آن وجود دارد؛ با وجود این، وهابیون ناخرسند از اعتلای نام رسول الله ﷺ و اهل بیت ﷺ ایشان در عالم، همچنان بر طبل عدم مشروعیت این مراسم می‌کوبند و بدین وسیله میان صفوف مسلمانان انفکاک و دودستگی به وجود می‌آورند.



منابع

- ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد، *النهاية في غريب الحديث والأثر*، بيروت، المكتبة العلمية، ۱۳۹۹ق.
- ابن الحاج مالکی، محمد بن محمد، *المدخل*، بيروت، دار التراث، بی تا.
- ابن تیمیة حرانی، احمد بن عبدالحلیم، *اقتضاء الصراط المستقیم لمخالفة أصحاب الجحیم*، ط. السابعة، بيروت، دار عالم الکتب، ۱۴۱۹ق.
- ابن جبیر اندلسی، محمد بن احمد، *رحلة ابن جبیر*، بيروت، دار الکتب اللبانی، بی تا.
- ابن حجر هیتمی، احمد بن محمد، *الفتاوی الحدیثیه*، بيروت، دار الفکر، بی تا.
- ابن خلکان، احمد بن محمد، *وفیات الأعیان وأنباء أبناء الزمان*، بيروت، دار صادر، ۱۹۹۴م.
- ابن سحمان العسیری، سلیمان، *الضیاء الشارقی فی رد شبهات المادق المارق*، ط. الخامسة، ریاض، رئاسة إدارة البحوث العلمية والإفتاء، ۱۴۱۴ق.
- ابن عذاری مراکشى، محمد بن محمد، *البيان المغرب فی اخبار اندلس والمغرب*، ط. الثالثة، بيروت، دار الثقافة، ۱۹۸۳م.
- ابن فارس، احمد بن، *معجم مقاییس اللغة*، بيروت، دار الفکر، ۱۳۹۹ق.
- ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمر، *البدایة والنهاية*، بيروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ق.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، ط. الثالثة، بيروت، دار صادر، ۱۴۱۴ق.
- ابن قاضی، احمد بن محمد، *المنتقى المفسور على مآثر الخليفة المنصور*، بيروت، مكتبة المعارف، ۱۹۸۶م.
- آل الشیخ، محمد بن ابراهیم، *فتاوی و رسائل سماحة الشیخ محمد بن ابراهیم بن عبد اللطیف آل الشیخ*، مکه، مطبعة الحكومة، ۱۳۹۹ق.
- بخاری، محمد بن اسماعیل، *صحيح البخاری*، دار طوق النجاة، ۱۴۲۲ق.
- تلمسانی، ابن المرزوق، *جنی الجنتین فی شرف اللبیتین لیلة القدر و لیلة المولد*، کویت، دار الضیاء، ۱۴۲۷ق.
- ذهبی، محمد بن احمد، *تاریخ الإسلام ووفیات المشاهیر والأعلام*، قاهره، دار الغرب الاسلامی، ۲۰۰۳م.
- ، *سیر اعلام النبلاء*، ط. الثالثة، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۵ق.
- سبط بن الجوزی، یوسف بن قزأوغلی، *مرآة الزمان فی تواریخ الأعیان*، دمشق، دار الرسالة العالمية، ۱۴۳۴ق.
- سراج طوسی، عبدالله بن علی، *اللمع فی التصوف*، مصر، دار الکتب الحدیثیه، ۱۳۸۰ق.
- سندوبی، حسن، *تاریخ الاحتفال بالمولد النبوی من عصر الاسلام الاولی الی عصر فاروق الاول*، قاهره، الاستقامة، ۱۳۶۷ق.
- سیوطی، عبدالرحمن، *حسن المقصد فی عمل المولد*، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۵ق.
- شرف نووی، یحیی بن، *المجموع شرح المهذب*، بیروت، دار الفکر، بی تا.
- الرزقی، الصادق، *الأغانی التونسیه*، تونس، الدار التونسیه للنشر، ۱۹۶۷م.
- صالحی شامی، محمد بن یوسف، *سبل الیهدی والرشاد فی سیرة خیر العباد و ذکر فضائله وأعلام نبوته وأفعاله وأحواله فی المبدأ والمعاد*، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۴ق.
- صدقی الزهاوی، جمیل، *الفجر الصادق فی الرد علی الفرقة الوهابیة المارقة*، استنبول، مكتبة اشیق، ۱۹۸۴م.
- عبد الحمید السلطان، عبدالمنعم، *الحیة الاجتماعیة فی العصر الفاطمی*، بیروت، دار الثقافة العلمیه، ۱۹۹۹م.
- عاصمی نجدی، عبدالرحمن بن محمد، *الدرر السنیة فی الأجوبة النجدیة*، ط. السادسة، السعودیه، بی نا، ۱۴۱۷ق.
- غزالی، ابوحامد، *احیاء علوم الدین*، بیروت، دار المعرفه، بی تا.
- فاکھانی، عمر بن علی، *المورد فی عمل المولد*، ریاض، دار العاصمه، ۱۴۱۹ق.
- فیلالی، عبدالعزیز فیلالی، *تلمسان فی العهد الزیانی*، الجزائر، موفم للنشر والتوزیع، ۲۰۰۲م.
- قاسمی، محمد جمال الدین، *اصلاح المساجد من البدع والعتواتد*، ط. الخامسة، بیروت، المکتب الاسلامی، ۱۴۰۳ق.
- قشیری، عبدالکریم، *الرسالة القشیریة*، قاهره، مؤسسة دار الشعب، ۱۴۰۹ق.

- قلقشندی، احمد بن علی، *صحیح الأعشى فی صناعة الإنشاء*، بیروت، دار الکتب العلمیه، بی تا.
- کلاباذی بخاری، محمد بن ابراهیم، *التعرف لمذهب أهل التصوف*، بیروت، دار الکتب العلمیه، بی تا.
- متز، آدم، *الحضارة الاسلامیه فی القرن الرابع الهجری: عصر النهضة فی الإسلام*، ط. الخامسة، بیروت، دارالکتب العربی، بی تا.
- محمد المنونی، محمد، *ورقات عن حضارة المرينيين*، ط. الثالثة، المملكة المغربية، دار البيضاء، ۱۴۲۰ق.
- مرتضی زبیدی، محمد، *تاج العروس من جواهر القاموس*، بیروت، دار الهدایة، بی تا.
- مقری تلمسانی، احمد بن محمد، *روضۃ الاس العاطرة الانفاس فی ذکر من لقیته من اعلام الحضرتین مراکش و فاس*، ط. الثالثه، الرباط، المكتبة الملكيه، ۱۴۰۳ق.
- ، *نصح الطیب من غصن الأندلس الرطیب*، بیروت، دار صادر، ۱۹۹۷م.
- مقریزی، احمد بن علی، *اتعاظ الحنفاء بأخبار الأئمة الفاطمیین الخلفاء*، المجلس الأعلى للشئون الاسلامیه، بی تا.
- ، *المواعظ والاعتبار بذكر الخطط والأثار*، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۸ق.
- الونشیرسی، احمد بن یحیی، *المعیار المعرب والجامع المغرب عن فتاوی اهل افریقیه والاندلس والمغرب*، المملكة المغربیه، وزارة الاوقاف والشئون الاسلامیه، ۱۴۰۱ق.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی